

ها را اوسه می کند. در نقاط غربی محله های «حصار شیرعلی» و «صادقیه» اگرچه در ظاهر ساخت و ساز می شود و اوضاع بهتری دارند اما در عوض از مشکلات دیگری همچون نداشتن درمانگاه یا حداقل یک خانه بهداشت و وسایل حمل و نقل عمومی رنج می برند.

«ویلا شهر» و شهرک «امام خمینی (ره)» را می‌گوییم که روز به روز وسعت شان گسترش پیدا می‌کند و گوی توسعه را از سایر محله‌های حاشیه نشین می‌رایند.

«مفردی» یکی از اهالی ویلاشهر می گوید: یکی از مشکلات عمده این محله شیب تند آن است که موقع بارندگی رواناب از خجالت خانه های پایین دست خیابان در می آید. او می افزاید: اکثر ساختمان ها یک یک شکل ساخته شده اند که شاید یکی از دلایل رغبت نداشتن مردم برای سکونت در این شهرک باشد.

وی ادامه می‌دهد: در بخش حمل و نقل عمومی، به خاطر تردید خط واحد مشکل خاصی نیست اما تاکسی‌های مردمی حوازی هستند که این محله خدمات ارائه دهند. به وجود سگ‌های ولگرد زیادی که در اطراف این شهرک پره می‌زنند، اشاره می‌کند و این قصبه‌ها به‌واسطه باعث رعب و وحشت اهالی می‌شود. از ویلا شهر که بگذریم شهرک امام خمینی (ره) علاوه بر مشکل تاکسی عمومی، معضل خط واحد را به‌خاطر برخی مسائل هندسی در داخل شهرک دارد. شهرک امام خمینی (ره) قدمتی بیش از ۲۰ سال دارد و اگرچه کمی رشد کرده اما در محیط کیفی هنوز دچار مشکلات متعدّد است. نبود پارک محله و از آن جهت تریک در مانیتاها بدخلاق خانه‌پیدا شده که زمین‌های سال‌هاست به مکان‌های خراب تبدیل شده از دغدغه‌های حدود ۲ هزار خروارای است که در شهرک «امام خمینی (ره)» ساکن هستند.

«قاسمی» یکی از اهالی این شهرک می گوید:
در هر روستای دورافتاده‌ای حداقل یک خانه
بهداشت دایر است اما شهرک به این بزرگی از آن
محروم است.

وی ادامه می دهد: شهرک با این جمعیت زیاد یک پارک محله کوچک دارد که جوابگوی ساکنان یک خیابان هم هر چند کم باشد به حدود ۲ هزار خانوار می رسد اما حداقل ۴ چپه ۲ و نیم قد دارند. به گفته اهالی، بیشتر ساکنان قدیمی این شهرک را جانیانازان تشکیل می دهند که به خاطر مشکلات جسمانی دراز روی یک بار برای تزریق آمپول به یک درمانگاه خارج شهر باید مراجعه کنند.

«رحمانی» یکی دیگر از اهالی می گوید: قیمت خانه و زمین و حتی اجاره بهادر این شهرک بسیار بیشتر از سایر محله های مشابه و پرداخت اجاره از توان اکثر اجاره نشین ها خارج است و به ناچار باید مدام عقب نشینی کنند و به حاشیه شهرک، رانده شوند.

■ آسفالت پینه بسته

اهالی «صادقیه» یا «برقلعه» مردمانی نجیب و سخت و کثرتان کشادرو هستند ولی تعدادی اخلاکار که کدام انگار در کوی و برزن این محله شعبه دارند به برخی افراد خاص خدمات ارائه می دهند و هوای کوچک پس کوچک همان آن را داد و داد آلوده می کنند.

«ایمانی» یکی از اهالی می گوید: یکی از مضللات این محله راهزنی سراسر پاسبان خانگی توسط خانواده ها در وسط کوچه و خیابان است که علاوه بر بوی بد باعث آلودگی می شود ولی اصلا گوش شنوایی برای برطرف کردن این معضل وجود ندارد.

او به وجود خرده فروشان مواد هم اشاره می کند:

می گوید: شاید اهالی با مشکلات آسفالت، نظامت کم و جاری شدن پساب خانه ها کنار بیایند اما با خاکلاکرها که آبروی این محله را برده اند، نقض دارند. می توانند کنار بیایند و از نیروی انتظامی اکتفا، نادیده بگیرند و مواد فروشان به شدت برخورد و راز را جاسم آفرین کند. وی ابراهیم می دهد: هر جا که نام کوی «صادقیه» را در برقعله، را می شنید ابتدا شنونده با قطع کلام نام وی می پرسید اما محله نام مواد سنتی خیلی خوبی دارد. آدرس بدهید مشتری بهیچ وجه آن را اضافه نمی کند: بیشتر انداختن دترم می دارند که خواستگار گاهی با شنیدن نام محل سکونت خود بدون ارزیابی محاسن خانواده آن ها می خیال ازدواج می شوند.

«محمّدی» یکی دیگر از ساکنان این محله بر سر راه و از امامت گرفته و گفته «اصدقی» کلیمسوی از او را مختلف کرد، ترک ترک تم کن و فارس است. وی گوید: در بانک شافل هستم اما گاهی اوقات بین همکاران و بیان نام محله ما به خاطر برخی کمبودها و بیشتر از همه به خاطر وجود مواد فروش ها خجالت می کشم. وی اضافه می کند: تفاوت و اوضاع جدول کشی این محله تعریفی ندارد و با این که به این محله مراجعه مانند یک روستای دور افتاده است که کوجه های آن طی این سال ها دست نخورده باقی مانده است. با کمی جست و جوی در این محله به افراد معتاد زیادی بر می خورم که برای خرید مواد از نقاط مختلف شهر به این محله مراجعه می کنند؛ معناداری که گاهی خطر ساز می شوند چون برق طلای کوهان که به خاطر نداشتن پارک محله داخل کوجه ها بازی می کنند، آن

بوی تند فضولات دامداری مشام هر کسی را می‌آورد. «محمدی» یکی دیگر از اهالی می‌گوید: بی توجهی به این محله کم نیست همین درخت کهنسال را ببینید که یک گنجینه تاریخی است و مسئولان می‌توانستند با حفاظت و معرفی آن به مردم رونقی به این محله بدهند.

روی ادامه می دهد: به دلیل کم توجهی میراث فرهنگی ایران درخت کهنسال (قاصدق) که قدمت بیش از ۲۰۰ سال دارد و از قاصدق ملی هم شده است، ناله کنان با کمری شکسته روزهای آخر عمرش را سپری می کند.

او به تغییر کاربری باغ های چسبیده به حصار اشاره می کند و می گوید: تا چند سال پیش این محل پر از باغ های سرسبز بود اما سودجویان با طمع از باغ صاحبان آن ها انداختند و پس از خشکیدن درختان ساختمان های بی جان در آن جا رویندند.

اگر اقدامی نشود همین چند باغی که روزگاری بنامان این محله بود خیلی زود دیگر ورزی برخی نواز و بفروش های خشک می شود و طبع اثری از سرسبزی و خرمی در این محله نخواهد بود.

روی به نطفات کوچ که ها هم اشاره می کند و می گوید: کوچ ها به ندرت نطفات می شود و با کوچک ترین و بیش بادی زباله ها در محیط پرانده می شود.

محلّه ای دیگر در همسایگی این محلّه ساکنان محلّه ای بودند که در آن روز بهتری از «حصار شیرعلی» نداشتند.

کوهچه پس کوهچه های پیچ در پیچ با آسفالت پینه بسته که هر کدام از آن ها گودالی پر از آب را در خود جا داده اند.

کوهچه های پینه در دارند از زخم کننده کاری و پساب های خانگی که گاهی در آن سرازیر می شوند و در این همه مشکلات محلّه «صادقیه» فریاد می زند. محلّه ای که روزگار نه چندان دوری آن را نام «بربرقلعه» می شناختند.



■ مخروبه‌هایی به نام خانه

معروفه هایی نام خانه را پدک می کشند و در چند سال گذشته برخی دستی بر خانه های شان کشیده اند و خانه های کلنگی جای خود را به ساختمان های نو و چند طبقه داده اند. به هفت گفته اهالی کمی «صادقیه» که «دردناش یکی»، ۲ تا نیست از همه آزار دهنده تر وجود خرده فروشان موادی است که این محله را بدنام کرده اند.

صندوق پستی: ۵۱۱-۱۷۳۵
تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰۰
نمابر دبیر خانه: ۳۷۶۲۳۹۵
پيامك: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ شهر

صاحب امتياز: موسسه فرهنگي هنري خراسان
مدیر مسئول: محمد سعيد احيان
سرديبر: علي ولي زاده
دفتر مركزي: شهيد، بولوار شهيد صادقي (سازمان آب)

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سرپرست: علی ولیزاده
دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی (سازمان آب)

روزنامه خراسان شمالی: گروه چهارم نشریات
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی
یکشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۸
۲ جمادی الثانی ۱۴۴۱. شماره ۳۲۱۳

خراسان شمالی



اشک شاه توت ۲۰۰ ساله و عریضه ۴ محله

یوسف صدیقی

خیابان اصلی اش بالا و پایین بروی؛ «حصار علی» را می گویم که نزدیک به شهر و به دلیل توجهی قامت خم کرده است. روز به باد داخل شت ای می پیچد و سر تماقا ایستادن آری و سکوت مطلق همه جا را احاطه کرده است. ظهر یک روز زمستانی از شیب تند خیابان ط حصار با آسفالت نیمه جانش بالا می روم و گاهی رهگذری از می بینم که از ترس ضربه ما بر گونه هایش دران دوان دوان می خندد. «ما سبانه دوبا کسه حرف باع گفتند».

د کودک مدرسه ای در کوچه پس کوچه ها، سوزناک را که در حال زوزه کشیدن است به زور گرفته اند و دنبال بازی خوششان هستند. صراغ ششلی* را در یک تپه بلند جزیره ای کل قرار گرفته است که هر سوش به یک بیابان می می شود. باغ های سرسبزی که روزگاری زرد بودند و آن فراوانی در آن ها جاری بود خان فزاد و اسطه ساخت و سازها یکی یکی درختان قطع شده است. همچنان که از سر بالایی دیدن اصلی حصار بالا می روم سرعت باد بیشتر شود گویا قصد دارد مانع پیشروی هر جنبنده شود.

چه خیابان اصلی اش آسفالت پینه بسته ای
دا مد برخی کوچه هایش هنوز خاکی و با شن
و تریز شده است. در کنار ساختمان های نو
هنوز خانه های کاهگلی چشم هر هزگردی
به خود خیره می کند. به خاطر شیب تند جاده
لی «حصار شیرعلی» خط واحد در همان
دودی محله با مسافران خداحافظی می کند.
می مسافر بهای شخصی و تاکسی های تلفنی
سر بالایی تند محله با لامی آیند و خیلی زود با به
می گذارند.

پرسه در انتهای «حصار شیرعلی» قرار دارد که

پنج شنبه ای که گذشت در سرمای این روزها، گذری بر ۴ ماهه بجنورد داشتیم تا راولی و مریخی و آن‌ها با هم، هر یک عریضه ای از آن مشکلات و کمبودها و برخی از شهرداری مطالبه داشتند، دیگری از نیروی انتظامی و آن یکی هم از میراث.

باشد که گاهی برای پایان دغدغه های اهالی شیب تند جاده نفس هر رهگذری را می گیرد و مریخی و کوه پیس کوهی های بارکش این آدم را به تاب می کند و می خورای خود را بر یک راس محوطه باز برسانی. عمری ۲۰۰ ساله دارد البته این را یکی از اهالی می گوید، درختی که نسل (شمارش) که آتش بی مهری به جان افتاده (و کشت و زرع نگاه های سنگین من شده است درختی که جزو میراث طبیعی محسوب می شود و به یازان بی زبانی از رهگذران می خواهد نسبت به سوز و فداوت نداشتن تا بتواند برای نسل های آینده سوز و فداوت برجامند.



محلۀ ای در جنوب شهر در بلندی قد علم کرده است، دل شیر می خواهد که در روزهای برفی و بارندگی با خودرو یا حتی پای پیاده از شیب

■ شیب تند خیابان

کارآفرینی، اشتغال، توسعه پایدار

هنرمندش روح است... سعادتی

شجاع و مردمی

کاندیدای یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از حوزه بجنورد مانه و سملقان، گرمه و جاجرم، راز و جرگلان و غلامان

به نام خدا

... روح ... ساعدی هشتم متولد شهرستان بجنورد، کارآفرین و صنعتگر. بیش از ۲۴ سال سابقه اجرایی در پروژه های عمرانی، صنعتی و کشاورزی دارم. کارشناس مهندسی مکانیک، کارشناسی ارشد مدیریت پروژه و ساخت و دکتري حرفه ای دوره ای مدیریت کسب و کار (دانش پذیر) دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. دوردوران ابتدای و راهنمایی را در شهرستان راز و جگلان و توابع سپری نمودم. لازم به ذکر است در تمامی مدت تحصیل از ابتدایی تاکنون به دلیل علاقه به کار، محدودیت ها و تهدیدها و تبدیل به فرصت نموده و همزمان با مدت تحصیل به مشاغل گوناگون (کشاورزی، ساختمان، فنی و مهندسی، مکانیکی سبک و سنگین، حمل و نقل و مشاور املاک) مشغول بودم.

انگیزه و هدف:

با توجه به مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مشاهده موانع متعدد و چالش‌های موجود در جامعه ایران، بر آن شدیم تا به عنوان فردی موثر و مفید ابتدا در راستای شناسایی و ریشه‌یابی مشکلات و معضلات گام برداشته و در حد توان و اندیشه خود راهکار مناسب ارائه نمایم. بنده به مشکلات بی‌تفاوت نبوده و فردی متعهد هستم.

ریشه یابی مشکلات:

با کمی تأمل به راحتی می توان دریافت، مشکلات فعلی جامعه در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، کشاورزی، اشتغال، ازدواج ... ناشی از ضعف، ایراد، انهماق و عدم شفافیت قوانین مربوطه و برداشتهای فردی و سلیقه ای در روند اجرای قوانین در سازمان ها می باشد.

واقع قوانین فعلی موافق بزرگ بر سر راه تولید و توسعه صادرات، اشتغال، اشتغال، اقتصاد و... می باشد. متأسفانه ناخواسته قوانین به گونه ای وضع شده که در حال حاضر بازده و خروجی آن، خدمت گزاری مردم به قانون است!!!! در حالی که بایستی قوانین به نحوی وضع گردد که در خدمت مردم و رفاه اجتماعی باشد.

همه می دانیم اختیارات و وظایف قوه مقننه (مجلس و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی) قانون گذاری و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مصوبات می باشد. امام خمینی (ره) فرمودند: مجلس در رأس امور است.

بنابراین ضعف این موارد ممکن است ناشی از ضعف نمایندگان ادوار گذشته و همچنین ضعف در مجلس باشد و علت آن نیز انتخاب نایب‌دگانی که اغلب تنوع‌رئیسین و علمگرا و آشنای به حوزة اجرایی بوده و سوابق مربوطه را داشته باشند. بنابراین عدم آشنایی آنان به عملیات اجرایی و مدیریتی منتج به وضع قوانین دست و پا گیر شده است.

راہکار:

سوال : چنانچه با خودرویی در حال سفر هستید و خودرو به دلیل نقص فنی متوقف شود چه می‌کنید؟

قطعا با تعمیر گاه مجاز سیار یا مکانیک فنی تماس می‌گیرید نه تئوریتینده های تحصیل کرده بدون سوابق اجرایی و فنی.

به نظر بنده مشکلات فعلی جامعه ما نیز با توجه به قوانین نامناسب موجود تنها به دست جوانان کارآفرین، مهندسین، متخصصین متمدن، متعهد و انقلابی که آشنایی کامل با روش های اجرایی را دارند حل می‌شود. اینان بایستی قوانین را بر اساس اصول اجرایی واقع بینانه بررسی، ویرایش، اصلاح و تسهیل سازی نمایند. لذا با توجه به موارد فوق، مشکلات و تهدیدهای جدی پیش رو (تحریم و) بهترین و منطقی ترین راه جهت برون رفت از مشکلات فعلی جامعه، انتخاب افراد یا شاخص‌های مژد کور به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی، در این دوره به منظور، به روز رسانی رفع نواقض قوانین، محدودیتس و ابهامات موجود در راستای شفاف سازی و تبلیغ به اهداف متعالی مردم، نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری می‌باشد.